



به «عراق» هم باختیم، وقت «نگرانی» فرار سیده؛
آیا «شرافت» مردم نزد صدا و سیما از
درجه اعتبار ساقط شده؟
مسئله این است!

در باب احداث فاز نخست راه آهن دو خطه میانه - بستان - تبریز؛

ایجاد خط ریلی جدید مهم تر است یا تکمیل خطوط ناتمام؟! ۴



گرانی «بنزین»، سرآغازی برای گرانی «همه چیز»؛

پس چه زمانی نوبت «واقعی کردن درآمدها» فرامی رسد؟ ۳



«حسن روحانی» مطرح کرده

افزایش نرخ بنزین برای کمک
به اقشار تحت فشار!

امام جمعه کرج هشدار داد:
رفت و آمد مسئولان با
نامزدهای احتمالی انتخابات
مجلس ممنوع! ۲



پیشرفت قابل توجه در بومی سازی
صنعت هسته ای؛

ظرفیت تولید غنی سازی ایران
به ۸ هزار و ۶۶۰ سو رسید ۲

علائم هشدار دهنده از
دست رفتن «کانون توجه»
در استراتژی چیست؟ ۴

گل ریحان البرز ۱ - ۱ مس رفسنجان

رقابت مربیان البرزی
برنده نداشت! ۵

ایستگاه تاکتیک



«دنیای هوادار» زوایای گوناگون شکست
مقابل «عراق» را بررسی می کند؛

آیا باید به «ویلموتس» و
تفکراتش امیدوار بود؟ ۷

تحلیل فیلم

نقدی بر فیلم «مطرب»؛
ساخته مصطفی کیایی

«همه چیز» دارد و
«هیچ چیز» ندارد! ۶



خبر اول

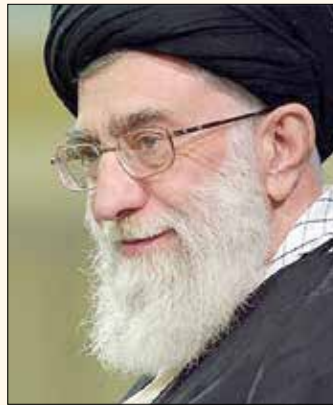
رهبر انقلاب با عفو و تخفیف مجازات تعدادی از محکومان موافقت کردند

امام جعفر صادق (ع) رهبر معظم انقلاب اسلامی با پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات ۳۵۵۲ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند.

حجت الاسلام و المسلمین «سید ابراهیم رئیسی» رئیس قوه قضائیه به مناسبت میلاد پیامبر اعظم (ص) و امام جعفر صادق (ع) طی نامه‌ای به رهبر انقلاب اسلامی پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات ۳۵۵۲ نفر از محکومان را که در کمیسیون مربوطه، واجد شرایط لازم تشخیص داده شده‌اند، ارائه کرد که این پیشنهاد مورد موافقت رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار گرفت.

به مناسبت حلول ماه ربیع الاول و فرارسیدن میلاد با سعادت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و امام جعفر صادق (ع) رهبر معظم انقلاب اسلامی با پیشنهاد عفو و تخفیف مجازات ۳۵۵۲ نفر از محکومان محاکم عمومی و انقلاب، سازمان قضایی نیروهای مسلح و تعزیرات حکومتی موافقت کردند.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، به مناسبت حلول ماه ربیع الاول و فرارسیدن میلاد با سعادت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و



سیاست خارجی

پیشرفت قابل توجه در بومی سازی صنعت هسته‌ای؛

ظرفیت تولید غنی سازی ایران به ۸ هزار و ۶۶۰ سو رسید

دستیار ویژه رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان اینکه ایران در بومی سازی صنعت هسته‌ای پیشرفت‌های قابل توجهی به دست آورده است، گفت: ظرفیت غنی سازی ایران امروز به میزان هشت هزار و ۶۶۰ سو رسید.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایرنا، «علی اصغر زارعان» روز گذشته تصریح کرد: قبل از گام سوم کاهش تعهدات، تولید روزانه ما ۴۵۰ گرم غنی سازی اورانیوم بود و هم اکنون با در نظر گرفتن کلیه جوانب برجاسی، تولید روزانه به ۱۰ برابر یعنی حدود ۵۰۰۰ گرم در روز رسیده است.

وی ادامه داد: هم اکنون ذخیره اورانیوم غنی شده به بیش از ۵۰۰ کیلوگرم رسیده و این مهم رو به افزایش است. ضمن اینکه در روزهای آینده به مرز ۱۱ هزار سو خواهیم رسید.

وی خاطرنشان کرد: در یک فرآیند زمانی کوتاه برحسب فرمایشات مقام معظم رهبری در کاهش تعهدات، دستور رئیس جمهور در چارچوب برنامه‌های از قبل پیش بینی شده و تصمیم مسئولان نظام به ویژه هیأت نظارت بر برجاس، با توجه به آمادگی‌های همه جانبه بلافاصله آنچه که مدنظر بود، انجام گرفت.

زارعان تصریح کرد: به دلیل هدف گذاری‌هایی که از پیش انجام گرفته توانایی تولید هر درصدی از اورانیوم را که نیاز باشد داریم و این حاکی از تلاش، آینده نگری، عدم خودشیفتگی و حرکت بی وقفه جهت رسیدن به قله‌های نهایی در انرژی اتمی است.

وی با یادآوری این نکته که دشمنان انواع و اقسام توطئه‌ها را جهت کند کردن فعالیت‌های صنعت هسته‌ای در دستور کار قرار دادند، افزود: استراتژی نظام سلطه نابودی تمامی زیرساخت‌های صنعت هسته‌ای به ویژه در فردو بوده و هست. همانطور که اوپاما رئیس جمهور سابق آمریکا اعتراف کرد که: «اگر می توانستیم بیچ و مهره‌های صنعت هسته‌ای را باز می کردیم، ولی نتوانستیم»، قطعاً این رویکرد بیگانگان با شیوه‌های گوناگون خصوصاً از سوی رژیم صهیونیستی دنبال می شود اما فردو پویا، با نشاط و زنده تر از گذشته به فعالیت‌های خود ادامه می دهد.

دستیار رئیس سازمان انرژی اتمی گفت: مسئولان این سازمان امانت داران این صنعت هستند و تلاش کرده اند امانت داران خوبی برای نظام در این عرصه باشند و تاریخ آن را قضاوت خواهد کرد.

زارعان گفت: ما تسلیم حاشیه سازی‌ها که ما را از کار باز دارد نخواهیم شد و تا رسیدن به قله‌های نهایی در این صنعت به فعالیت‌های خود ادامه خواهیم داد.

دستیار رئیس سازمان انرژی اتمی به استخراج، اکتشاف و اضافه شدن حدوداً ۴۰۰ تن کیک زرد در طول مذاکرات اشاره کرد و یادآور شد: در کنار این موضوع، برداشت کیک زرد بومی از سه سال گذشته تاکنون با اقدامات هوایر و پی جویی در سراسر کشور و مدرن سازی راکتور تحقیقاتی خنداب اراک صورت گرفته است و در روزهای آینده هم شاهد افتتاح مدار ثانویه آن خواهیم بود.

زارعان خاطرنشان کرد: علاوه بر فعالیت در زمینه لیزرهای فیبری، دیسک نیمه هادی، میکرولیزرها، جوش لیزری نیز، قراردادی منعقد شد که یکی از موانع تولید در نورد سرد مجتمع فولاد مبارکه اصفهان از طریق لیزر جوش ۱۰ کیلووات مرتفع می شود و این حاصل خودبآوری و سرریز صنعت هسته‌ای به سایر صنایع است.

خبر روز

امام جمعه کرج هشدار داد:

رفت و آمد مسئولان با نامزدهای احتمالی انتخابات مجلس ممنوع! دولت برنامه‌های اقتصادی و عملیاتی را دنبال کند



دولت برنامه‌های اقتصادی و عملیاتی را دنبال کند

آیت‌الله حسینی همدانی با بیان اینکه مسئولان اجرایی به جای تئوری پردازی و ارائه نظریه باید مسئولیت کارهای خود را بپذیرند، اعلام کرد: آن‌ها فکر نکنند با فرافکنی و شلوغ بازی و نشانه‌های غلط دادن موجب می شوند که مردم دست از پرسش و مطالبه‌گری در این خصوص بردارند، مردم برای پیدا کردن علت تخلفاتی که بروز پیدا کرده سوال می پرسند و آن را پیگیری می کنند. وی با بیان اینکه دشمن به دنبال نیرنگ بیشتر است خاطرنشان کرد: در این شرایط بازگشت به قبل و نشستن پشت میز مذاکره معنایی ندارد و حرف از مذاکره زدن خطاست.

وی در ادامه به مسائل مربوط به انتخابات پیش رو پرداخت و با اشاره به اهمیت احراز صلاحیت افرادی که قصد حضور در عرصه نمایندگی را دارند، از دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی به خاطر ایستادگی در برابر افرادی که صلاحیت حضور ندارند تشکر کرد.

آیت‌الله حسینی همدانی در ادامه از مسئولان شهر و استان خواست به هیچ وجه با کسانی که قصد نامزدی دارند رفت و آمد نکنند. وی در این خصوص تأکید کرد: اگر مسئولان نامزدهای احتمالی رفت و آمد کنند هر دو مورد اتهام قرار می گیرند.

نماینده ولی فقیه در استان البرز با انتقاد از برخی اقدامات در بعضی دستگاه‌ها همچون شام دادن به نیروهای زیرمجموعه در وضعیتی که پرداخت حقوق با مشکل مواجه شده است گفت: هزینه از بیت المال از چشم ناظران پنهان نخواهد ماند. امام جمعه کرج در ادامه خطبه‌های امروز با بیان اینکه قصد ضعیف نشان دادن کارهای دولت

نماینده ولی فقیه در استان البرز با اشاره به اهمیت احراز صلاحیت افرادی که قصد حضور در عرصه نمایندگی را دارند، از دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی به خاطر ایستادگی در برابر افرادی که صلاحیت حضور ندارند تشکر کرد.

به گزارش «دنیای هوادار»، آیت الله سید محمدمهدی حسینی همدانی در خطبه‌های نماز جمعه ۲۴ آبان ماه کرج، ضمن تبریک ولادت رسول اکرم (ص) و فرزند بزرگوارش امام صادق (ع) گفت: کشور در موقعیت کنونی به همدلی و وحدت فراوان نیاز دارد اما در این موقعیت برخی حرف‌هایی می‌زنند که اوپوزیسیون هم نمی‌زند.

آیت‌الله حسینی همدانی افزود: همه کسانی که مسائل مربوط به ایران و دنیا را دنبال می‌کنند می‌بینند که ایران دست بالاتر را دارد و علی‌رغم مشکلاتی که ایجاد کرده‌اند، توان و روحیه ایران بالاتر است.

وی ادامه داد: این وضعیت تاجایی است که آمریکا نمی‌تواند به ایران پاسخ دهد و در همین دو تا سه ماه اخیر با وجود ساقط کردن پهپاد آمریکایی، رئیس جمهور این کشور فقط در کاخ خود اولتیماتومی دهد.

امام جمعه کرج با بیان اینکه عملکرد کلی خوب است، اضافه کرد: البته دولت باید نقص‌های موجود را جبران کند، دشمن نتوانسته کاری کند و فشار حداکثری آنان در حال شکست است و به همین دلیل در مسائل دیگری با ما وارد جنگ شده‌اند.

وی تصریح کرد: اکنون که در مرحله دیگری از جنگ هستیم نباید برخی حرف‌ها از کمبود بودجه و مشکل در فروش نفت بزنند.

را نداریم اعلام کرد: اما مشکلات اقتصادی و معیشتی در جامعه تأثیر گذار بوده است.

وی در ادامه با تأکید بر لزوم جوانگرایی در مدیریت کشور تصریح کرد: این همه جوان فعال، دانشمند و کاربلد در کشورمان داریم اما باز هم می بینیم که در برخی دستگاه‌های کشور افرادی با سن ۶۰ سال را برای پست‌ها و مسئولیت‌ها به کار می‌گیرند.

آیت‌الله حسینی همدانی در ادامه به اقدامات دستگاه قضایی در برخورد با فساد هم اشاره و اعلام کرد: دستگاه قضا حرکتی را با صلابت آغاز کرده است باید به آن‌ها کمک کنیم، چون قوه قضائیه به دنبال کار سیاسی نیست و نمی‌خواهد عوام فریبی کند، در این میان به زودی روسیاهی برای کسانی می‌ماند که دیگران را سیاه می‌بینند. وی در پایان با گرامی‌داشت هفته کتاب و کتابخوانی اظهار کرد: نباید از نقش کتاب در جامعه و خانواده غفلت کرد، پدران و مادران باید خود اهل کتاب و مطالعه باشند و از کودکانی فرزندان خود را نیز با کتاب انس دهند، رهبر معظم انقلاب نیز به مقوله کتاب تأکید فراوان دارند.

بحث روز

گرانی «بنزین»، سرآغازی برای گرانی «همه چیز»؟

پس چه زمانی نوبت «واقعی کردن درآمدها» فرامی رسد؟



مهررداد تیموری



چرا دولت های کشورمان در مقابل مردم، رفتاری شبیه راهزن ها دارند؟ مگر نه اینکه هر جا میکروفن دم دستشان بیاید می گویند «دولت خادم مردم است»؟ مگر نه اینکه دولت ها باید صدای مردم و برای مردم باشند؟ پس چرا در ایران رفتار آقایان پاستور نشین، شبیه هیچ کدام از این حرف های زیبا نیست؟ آیا حق واقعی یک ملت این است که ساعت ۱۲ شب آخر هفته ای از هفته های خدا، خیلی بی مهابا مهم ترین خبر اقتصادی سانس را بشنود؟ به نوعی که انگار گوینده آن می خواسته فقط نقل کند و بعد هم در سوراخی قایم شود تا مبادا مورد گزند واقع شود!

اگر دولت به کاری که قصد انجامش را دارد و آن را از پنجشنبه ساعت ۱۲ شب کلید زده است اعتقاد دارد، پس این رفتار دو گانه برای چیست؟ چرا خودش و سیاست هایش را از مردم پنهان می کند؟ مگر نه اینکه اگر شما به کار و برنامه هایی که دارید، ایمان داشته باشید باید سرتان را مثل «مرد» بالا بگیرید و با افتخار از تداپیری که اندیشیده اید، سخن بگویید؟ آیا حق مردم ایران این نیست که بدانند چه در سر مقاماتی که کشور را به دستشان سپرده اند می گذرد؟ این حجم از شتابزدگی در تصمیمات مهم و تأثیرگذار بر زندگی اقتصادی عامه مردم چیست و از کجانشی می شود؟

جناب آقای «بیژن زنگنه» بزرگوار! همین شما نبودید که چند ماه پیش فرمودید «دولت برنامه ای برای گران کردن بنزین ندارد و قانون هم چنین اجازه ای نمی دهد»؟ پس چه شد؟ در همین مدت کوتاه برایش برنامه ریختید و قانون را اصلاح کردید؟ یا دنبال فرصت مناسب تری

بودید تا مردم هیاهو به راه نیندازند؟ این مردم، بهترین مردم دنیا هستند و نیازی نیست از آن ها بترسید چرا که هر بلایی سرشان بیاورد آن ها جیک نخواهند زد. به جای این مردم، بهتر است از «خدا» بترسید. اگر پاسخگوی مردم نیستید، فکر پاسخگویی به خدایی که بدان اعتقاد دارید باشید. قطعاً آقایان بهتر از هر کسی باید بدانند که افزایش قیمت بنزین «تبعات» به همراه دارد. گرانی بنزین بدون تردید برابر است با گرانی همه چیز؛ افزایش قیمت حمل و نقل و ترابری، قیمت خانه، قیمت بیمه، قیمت دکتر، قیمت نان، قیمت شیر، قیمت کره، قیمت گوشت و قیمت هزاران چیز دیگر از گران شدن بنزین حاصل می شود آن هم مانند آب خوردن. از همین حالا پرداختی «یارانه»ها را هم افزایش دادند و این هم نشان می دهد که دولت به تبعات گرانی بنزین واقف است اما افسوس که «فقط واقف» است و در عمل گران می کند. اگر می دانستیم دولت ذره ای با این تفاوت قیمت بنزین قرار است راه و چاهی در حمل و نقل باز کند و لوله دل هیچ کس نمی سوخت.

ظاهراً فلسفه دولت از این تفاوت قیمت تنها «واقعی کردن» قیمت آن است و قرار نیست از این مبلغ اضافه ای که از جیب مردم خارج می شود، برای «خودشان» خرج شود. اگر در همه جای دنیا گرانی قیمت بنزین حاصل مالیات

و عوارضی است که روی آن کشیده شده و از تفاوت قیمت تولید و فروش برای «مردم» همه چیز را استاندارد می کنند، در ایران از این خبرها نیست و فقط قیمت ها باید «واقعی» شود. البته واقعی از نگاه دولت تا دخل و خرجش بتواند باهمدیگر بخواند! آیا تنها قیمت بنزین در این مملکت غیر واقعی بود؟ حق کارگر و کارمندی که شش روز هفته از صبح تا غروب در جریان کار کشور کمر خم می کند و علیه عملکرد ناقص شما نمی تواند جیک بزند، همین چیزی است که دستش را می گیرد؟ با این روندی که آقایان در واقعی کردن قیمت ها پیش گرفته اند، آیا حقوق مصوب وزارت کار دولت قیمت واقعی کار در این مملکت است؟ پس چه زمانی نوبت واقعی کردن «درآمدها» می رسد؟

به راستی که دولت های ایران خوشبخت اند؛ خوشبخت از این نظر که هر کار دلشان بخواهد با مردم انجام می دهند و مردم هم قضا را با چهار تا بیست و استوری به فراموشی می سپارند. گرانی ها از پس خبر نیمه شب پنجشنبه خواهد آمد و ما همینطور نگاه خواهیم کرد. گرانی بنزین بخت بزرگی است که روی خواب ما افتاده است اما آن را کنار نمی زنیم چرا که هنوز دلمان می خواهد «یک کمی دیگر» بخوابیم تا شاید وقتی دیگر بتوانیم بیدار شویم.

از دولت چه خبر؟

«حسن روحانی» مطرح کرد:

افزایش نرخ بنزین برای کمک به اقشار تحت فشار!

رئیس جمهوری با بیان این که دولت با وجود مشکلات اقتصادی، هرگز قصد برداشت از درآمد افزایش قیمت بنزین را ندارد و همه آن میان حدود ۶۰ میلیون نفر توزیع می شود، گفت: اقدام دولت در افزایش نرخ بنزین به نفع مردم و برای کمک به اقشار تحت فشار جامعه است.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام والمسلمین «حسن روحانی» روز گذشته در دیدار برخی اعضای دولت و مسئولان کشور به مناسبت میلاد پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام جعفر صادق (ع)، به اقدام اخیر دولت در افزایش نرخ بنزین که از شب جمعه اجرا شده، اشاره کرد و گفت: دولت مدت ها به دنبال آن بود تا از طریقی بتواند از اقشار ضعیف کشور که بواسطه شرایط اقتصادی در فشار هستند، حمایت و به آنها کمک کند اما به دلیل کمبود منابع درآمدی و بودجه توان اجرای آن وجود نداشت.

وی با یادآوری اینکه امروز اقشاری در جامعه هستند که در زندگی خود با مشکلات مواجه هستند، یادآور شد: فشارهای اقتصادی شدید در سال ۹۷ و ۹۸ به زندگی مردم وارد شد و دولت می خواهد در حد تامین نیازمندی های ضروری، حمایتی از مردم کرده و به خانواده هایی که احساس می کنیم در فشار بیشتر هستند کمکی کرده باشیم.

رئیس جمهوری با بیان اینکه برای تعیین اقشار ضعیف جامعه نیاز به آمار و ارقام دقیق داریم اما در همین حدی که امکان تشخیص وجود دارد می توانیم جامعه را به دو بخش تقسیم کنیم، گفت: بر این اساس حدود ۷۵ درصد در شرایط فشار قرار دارند و حدود ۲۵ درصد هم شرایط زندگی شان خوب است و بر مبنای محاسبات ۱۸ تا ۱۹ میلیون خانوار و جمعیتی در حدود ۶۰ میلیون نفر مشمول طرح حمایتی دولت خواهند بود و این مبلغ هم کمک به فرد نبوده و کمک به خانوار به شمار می رود.

روحانی افزود: تلاش ما این است بتوانیم این مبلغ را ماهیانه به حساب خانوارها بر پرداخت کنیم و در اوایل آذر ماه اولین نوبت آن پرداخت شود.

وی همچنین اظهار داشت: این اقدام برای اقشار مستضعف جامعه کمک کوچکی به شمار می رود و در مجموع اصل این کار ضروری است.

رئیس جمهوری ادامه داد: برخی معتقد بودند که قیمت انرژی در ایران با قیمت آن در کشورهای منطقه فاصله زیادی دارد که البته این موضوع موجب ایجاد مفاسدی از جمله قاچاق خواهد بود و اگر بخواهیم این معضل را از بین ببریم باید به گونه ای قیمت را افزایش دهیم که تقریباً با قیمت انرژی در کشورهای همسایه برابری داشته باشد و ما با آن مخالفت کردیم.

روحانی تصریح کرد: البته این اقدام از سوی دولت انجام نشد به خاطر این بود که معتقد بودیم این افزایش قیمت به نرخ هایی مثل ۵ هزار تومان برای هر لیتر بر زندگی مردم تأثیر مستقیم داشته و موجب افزایش تورم خواهد بود.

وی به شدت مصرف انرژی در کشور و تأثیر آن بر آلودگی هوا اشاره کرد و گفت: انرژی که در ایران مصرف می شود با سایر کشورهای دنیا متفاوت و مقدار زیادی است که اصلاح این کار البته نیاز به فرهنگ سازی و تولید خودروی خوب دارد.

رئیس جمهوری تأکید کرد: هدف اصلی از این اقدام این بود که از یک طرف فشار زیاد به مردم وارد نشود و از سوی دیگر برای کسانی که مصرف روزانه معمول دارند نرخ بنزین گران نشود. به همین دلیل ۶۰ لیتر را با یک نرخ و نرخ آزاد را به گونه دیگر تعیین کردیم.

روحانی در پایان گفت: این کار به نفع مردم و اقشار تحت فشار جامعه بوده و می تواند مفید و موثر باشد.

خبر روز

هشدار پلیس فتا البرز به متقاضیان دریافت کارت سوخت

رئیس پلیس فتا استان البرز با اشاره به کلاهبرداری مجازی به متقاضیان ثبت نام سهمیه یا کارت سوخت و طرح معیشتی دولت هشدار داد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایرنا، سرهنگ محمد اقبالی روز گذشته گفت: برخی افراد شیاد با ارسال پیامک با موضوع نام نویسی کارت سوخت، طرح معیشتی دولت و افزایش سهمیه سوخت مسافربرهای اینترنتی اقدام به کلاهبرداری کرده که کاربران فریب این افراد را نخورند.

کلاهبرداران با این شیوه به دنبال دریافت شماره کارت بانکی، رمز دوم، تاریخ انقضا و CV2



هموطنان هستند متقاضیان باید برای ثبت نام از مجاری رسمی (سایت دولت همراه) اقدام کنند.

برخی کاربران در زمان ثبت نام به آدرس سایت مورد نظر توجه نکرده و از طریق موتورهای جستجو گر یا لینک هایی که در دیگر سایت ها ارائه شده در دام سودجویان سایبری گرفتار می شوند.

ثبت اطلاعات در سایت های جعلی زمینه ساز سوءاستفاده از کاربران را بوجود آورده که سبب سرقت اطلاعات و کلاهبرداری خواهد شد.

سرهنگ اقبالی گفت: با توجه به افزایش شگرد کلاهبرداری های اینترنتی، هوشیاری کاربران در موضوعات جرایم سایبری ضروری است.

راه و مسکن



در باب احداث فاز نخست راه آهن دو خطه میانه-بستان-تبریز؛
ایجاد خط ریلی جدید مهم تر است یا تکمیل خطوط ناتمام؟!

فاز نخست راه آهن دو خطه میانه-بستان-تبریز به طول ۲۰۰ کیلومتر در حد فاصل میانه تا بستان آباد که ۱۲۲ کیلومتر طول دارد و به صورت دو خطه احداث شده است به زودی به بهره برداری می رسد تا فاصله طولی تهران تا تبریز حدود ۱۵۰ کیلومتر و فاصله زمانی این مسیر ۵.۵ ساعت کاهش یابد.

در ارتباط با این خط جدید که توان سرعت گیری قطار مسافری را به ۱۶۰ کیلومتر در ساعت افزایش می دهد حرف و سخن بسیار مطرح شده و حتی مخالفت هایی هم از سوی کارشناسان مطرح شده که تکمیل خطوط ناتمام ریلی را مهم تر از احداث مسیری جدید برای یک خط ریلی موجود می دانند اما واقعیت این است که اگر در طول سال های اخیر تنها یک تصمیم صحیح در احداث مسیرهای ریلی گرفته شده باشد، همین احداث مسیر جدید ریلی میانه به تبریز است که تاثیر اقتصادی بسیار شگرفی در حمل و نقل بار و مسافر و افزایش توان ترانزیتی ایران خواهد داشت.



دکتر مهرداد فرشیدی

کاهش مسیر بین المللی ترانزیت کالا نه تنها باعث صرفه جویی قابل توجه سوخت یارانه ای شده بلکه استهلاك ناوگان ریلی و کاهش هزینه های نگهداری انواع واگن باری و مسافری را به همراه خواهد داشت که در مجموع هزینه حمل کالاهای ترانزیتی و قیمت حمل این محصولات را در پی خواهد داشت اما مهم ترین ویژگی احداث مسیر ریلی دو خطه و تندرو میانه-تبریز را باید در افزایش مسیرهای ترانزیت خروجی حمل بار و مسافر از ایران دانست که علاوه بر افزایش توان ترانزیتی، مانع از آن می شود که محبوب به قوبل قوانین سختگیرانه یک یادو همسایه در صورت اطلاع از محدودیت و اجبار عبور کالاهای خروجی از ایران از میسر آن کشورها شویم. در واقع با تعدد مسیرها و کشورهای متصل به شبکه ریلی ایران، راه را برای هرگونه اقدام منفعت طلبانه برای شرکای ریلی مان خواهیم بست.

اما مزیت دیگر، دسترسی بهتر و از چند مسیر به خطوط ریلی کشور ترکیه خواهد بود که مانند ایران از عرض ریل های بین المللی (۱۴۳۵ میلی متر) در شبکه ریلی خود استفاده می کند و دیگر نیازی به تغییر بوزی در مرز به مانند مسیر ترانزیتی ترکمنستان و آذربایجان نخواهیم بود که هم سرعت حمل کالا و مسافر را افزایش می دهد و هم هزینه تعویض بوزی را که باعث افزایش استهلاك واگن ها و کاهش عمر مفید بخش زیرساختی (چرخ و محور) می شود، کاهش می دهد. دیگر مزیت این خط ریلی جدید، کاهش قابل توجه زمان سیر در مسیر پرتردد مسافری تهران-تبریز از ۱۴ ساعت کنونی به حدود ۸ ساعت است که در توسعه گردشگری و ایمنی بیشتر مسیر مسافرت های زمینی بسیار حائز اهمیت است.



دیجیتال مارکتینگ

علائم هشدار دهنده از دست رفتن «کانون توجه» در استراتژی چیست؟



پیام شما به حامیان شما. ارائه هزینه های بیشتر برای محصولات و خدمات. زمانی که پیام برند شما مبهم باشد، مشتریان بالقوه تان برای دریافت گزاره ارزشی منحصر به فرد شما و اینکه چرا باید از شما خرید کنند، مشکل خواهند داشت. همچنین به گفته ترسیا اسلایدر متخصص برندسازی این بدان معنا است که: «تاثیرگذاران نمی توانند مزایای شما را در چشم اندازها معماری کند و اگر برند شما به نظر افراد خارج از شرکت منسوخ شده یا مبهم بیاید، یعنی این که فقط توسط شخص شما و پرسنل تان و داوطلبان بالقوه کار درک شده است.»



دکتر علی قوامی

محقق، مدرس و مشاور کارآفرینی و تحلیل گر بازاریابی

۲. تلاش برای بالا بردن فروش با استفاده از نتایج گوناگون پیامهای مبهم برند این موضوع به ویژه از لحاظ رشد کند در اضافه کردن خط تولید شرکت و فروش های تازه شروع شده قابل درک است. در اینجا خطر، قرار گرفتن در موقعیت پیشنهاد ارتقا یا نوآوری های که ارتباط کمی با آنچه شما مد نظر تان است، می باشد.

در نتیجه در بسیاری از موارد، مشتری گیج می شود و نقاط مهم پیام برند حالت سستی پیدا می کنند. مارک دی سوما استراتژیست برند سازی نوشته است: «مسابقه به این امید که به طور جادویی ما را به اوج برساند عمومیت پیدا کرده، ولی پایان خوبی نخواهد داشت.» راه حل چیست؟ وی تاکید داشت که کسب و کارها باید «به جای تنوع بازار به مجاورت بازار» فکر کنند.

۳. شما بازار را سرشار از پیام های متناقض نموده اید

به دلیل اینکه پلتفرم های زیادی برای آدرس دهی برندهای شرکت ها وجود دارد، آنها اغلب در صد پالایش یا تغییر پیام اصلی هستند و باور دارند که سرهم بندی با این بیان باعث جذب مشتریان مختلف می شود. در واقع فقدان پیام سازی سازگار، جذب کلی برند را ضعیف می کند.

۴. برند بصری ظاهرا منسوخ شده و «پیام بی اثر» است

علامت هشدار دهنده دیگر این است که استراتژی برند شما کانون توجه بصری خود که می توان در وب سایت شرکت دید را از دست داده است. اگر زمان زیادی از دیدن و حس تغییر وب سایت بگذرد (۸ ماه تا یک سال را زمان طولانی می گویند) زمانی که بر روی سایت کلیک می شود به نظر می آید که برند واقعا آن چیزی که در صد آدرس دهی آن است را انجام نمی دهد. همانگونه که Slider خاطر نشان کرده «قیب با یک پیام تازه تر، و نقطه ای تر که فقط با یک یا دو کلیک کار می کند، ظاهر می شود» و خبر خوب اینکه حتی «ترندهای کوچک مانند تصاویر به روز رسانی شده، فونت و رنگ خبرها می توانند تمایز زیادی ایجاد کنند»

مراقب استراتژی های به اصطلاح رشد برای مجموعه تخفیفات یا پیشنهادهای ویژه می باشد زیرا «ماهیت ویژه» برند شما را تضعیف می کند. همچنین در برابر صدمه ای که تغییر برند شما برای مقابله با بدگویی رقبا از محصول تان ایجاد می کند، مقاومت کنید. شما در پیدایش کالاهای تقلیدی باید به برقراری ارتباط با ارزش کلیدی برای مشتریان تان تمرکز بیشتری کنید.

گزارش ورزشی

تساوی صدرنشینان لیگ یک در کرج؛
رقابت مریبان البرزی برنده نداشت!

جدال بالانشینان لیگ دسته یک کشور در کرج با تساوی به پایان رسید.

به گزارش «دنیای هوادار»، هفته سیزدهم رقابت های لیگ دسته یک باشگاه های کشور با تساوی مدعیان صعود به لیگ برتر به پایان رسید. تیم گل ریحان البرز که در هفته های اخیر روند رو به رشدی داشته است در خانه پذیرای مس رفسنجان بود. شاگردان نصرتی در این دیدار حساس بازی رو به جلویی را به نمایش گذاشتند و حتی می توانستند در همان نیمه اول به گل برسند ولی دفاع با تجربه مس روز خوبی را سپری کرد و اجازه نداد تا مهاجمان گل ریحان در نیمه اول گلی را به ثمر برسانند. نیمه دوم این دیدار حساس با بازی خوب شاگردان ربیعی همراه بود ولی برخلاف جهت بازی تیم گل ریحان توسط کیانوش میرزایی به گل رسید و خود را در آستانه برد و تداوم صدرنشینی قرار داد. اما در دقیقه ۵۸ بازی بود که حمید گلزاری از روی نقطه پنالتی دروازه گل ریحان را باز کرد تا مس از این دیدار مهم دست خالی بیرون نرود.

خبر روز

تیم ملی کبده جوانان ایران
«مقتدرانه» قهرمان جهان شد

تیم ملی کبده جوانان ایران عنوان قهرمانی نخستین دوره رقابت های جهانی در کیش را از آن خود کرد.

به گزارش «دنیای هوادار» به نقل از ایسنا، در دیدار نهایی رقابت های کبده قهرمانی جوانان جهان در مجموعه ورزشی المپیک کیش، تیم ملی کبده جوانان ایران در دیدار حساس برابر کنیا پدیده این دوره از رقابت ها به میدان رفت و در پایان با نتیجه ۴۲ بر ۲۲ به برتری رسید و عنوان قهرمانی جهان را از آن خود کرد. کبده کاران جوان ایران نیمه نخست این بازی را با برتری قاطع ۲۳ بر ۸ به پایان رساندند. در زمان ۲۰ دقیقه ای نیمه دوم نیز برتری کامل از آن کبده کاران جوان ایران بود و موفق شدند در نهایت با نتیجه ۴۲ بر ۲۲ برابر کنیا پدیده این دوره از رقابت ها که توانسته بود برابر تیم های مدعی همچون پاکستان پیروز شود، به برتری برسند. ایران پیش از این در مرحله گروهی این رقابت ها به ترتیب برابر تایلند، ترکمنستان و مالزی به برتری رسید، در یک چهارم نهایی، چین تایپه را برد و در نیمه نهایی نیز مقابل بنگلادش قاطعانه پیروز شد و به فینال رسید.

شهردار کرج خبر داد:

آماده باش بیش از سه هزار نیرو در کرج
برای مقابله با بارش برف احتمالی

چرخ و اطلاع از وضعیت خودرو (ضد یخ، کیفیت لاستیک ها و سوخت) و ... از اقداماتی است که شهروندان با انجام آن می توانند کمک حال مجموعه مدیریت شهری در زمان بارش باشند.

انتظار نیست و باید برای مدیریت آن آماده بود. به گفته این مسئول برای مدیریت بارش ها علاوه بر بسیج نیروها و ماشین آلات، شن و ماسه مورد نیاز خریداری و در مخازن ویژه ای که در معابر وجود دارد جانمایی می شود.

شهردار کرج در ادامه با اشاره به نقش شهروندان در مدیریت بارش ها، گفت: سال های گذشته شهروندان به هنگام بارش برف مقابل درب منازل خود را تمیزی می کردند که این موضوع امروز کمتر به چشم می آید. وی با بیان اینکه که باید تلاش کنیم این فرهنگ دوباره ترویج شود، گفت: رسانه ها نقش ویژه ای در احیای فرهنگ برف ریزی دارند.

کمالی زاده در ادامه به نکاتی که شهروندان در هنگام بارش ها باید رعایت کنند نیز پرداخت و خاطرنشان کرد: خودداری از سفرهای غیر ضروری، استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی، مشارکت در پاکسازی اطراف منازل، به همراه داشتن زنجیر

علی کمالی زاده در نشست ستاد مدیریت بحران شهرداری کرج از لغو مرخصی همه مدیران تا روز سه شنبه بیست و هشتم آبانماه خبر داد.

به گزارش «دنیای هوادار»، علی کمالی زاده گفت: با توجه به پیش بینی های سازمان هواشناسی مبنی بر بارش برف از امروز، دو هزار نیروی فضای سبز و یک هزار و ۷۰۰ نیرو خدمات شهری برای برف ریزی و درخت تکانی آماده باش خواهند بود. وی با بیان اینکه تجربه سال های گذشته نشان داده مدیریت بارش ها نیازمند برنامه ریزی و هماهنگی است، گفت: این برنامه ریزی جزء با همراهی همه دستگاه ها و شهروندان امکان پذیر نیست.

شهردار کرج با اشاره به اقدامات پیشگیرانه برای مقابله با بارش ها و رفع مشکلات احتمالی، افزود: کرج تاکنون الگوهای بارشی متفاوتی را تجربه کرده به همین خاطر بارش های سنگین دور از

اجرای طرح هر مسجد یک حقوقدان در کرج

رئیس سازمان فرهنگی ورزشی شهرداری کرج خبر داد: طرح مشاوره حقوقی شهروندان به صورت مسجدمحور در استان البرز راه اندازی می شود.

به گزارش «دنیای هوادار»، علیرضا رحیمی با اشاره به راه اندازی طرح مشاوره حقوقی شهروندان در کرج، گفت: به منظور راهنمایی و مشاوره حقوقی و رسیدگی بهتر به امور حقوقی مردم و کاهش مشکلات موجود در زندگی شهروندان و همچنین کاهش مراجعات به دادگستری ها، طرحی با عنوان «هر مسجد یک حقوق دان» در مساجد پویای شهر کرج و سطح استان اجرا می شود.



ماجرای زمین متری ۵ میلیون در تهران چیست؟

اصولی دارند. ویژگی نخست آنها قرارگیری در محدوده بافت فرسوده شهر تهران است. املاک واقع در بافت فرسوده دارای سه ویژگی ریزندگی، نفوذناپذیری و ناپایداری است. به طور معمول در این محلات تراکم جمعیتی نسبت به سایر مناطق شهری بالا است. در عین حال، ویژگی دیگر این اراضی قرارگیری در محلاتی است که آسیب های اجتماعی در آنها وجود دارد. البته بررسی ها نشان می دهد بخش عمده ساختمان های این محلات به عنوان انبارهای پشتیبان بازار تهران تغییر کاربری داده اند. از همین رو ممکن است اینگونه اراضی مورد توجه این گروه از سرمایه گذاران باشد.

توجه به میانگین قیمت زمین در شهر تهران، این اراضی با قیمت بسیار ارزان عرضه شده اند. مطابق با آمار رسمی در حال حاضر میانگین هر مترمربع زمین در شهر تهران حدود ۱۷ میلیون تومان برآورد می شود. اما یک تحقیق میدانی ساده مشخص می کند که قیمت تعیین شده برای این اراضی چندان هم ارزان نیست. بررسی ها مشخص می کند با توجه به دو ویژگی اصلی این قطعه زمین ها، ممکن است حتی قیمت پیشنهادی برای آنها نه تنها ارزان نباشد بلکه حتی نسبت به اراضی مشابه در همان محلات، بالاتر هم تعیین شده باشد.

به طور متنوع مسکونی، تجاری و مختلط تعیین شده است و امکان ساخت بین ۳ تا ۷ طبقه روی هر یک از اراضی با توجه به موقعیت و پهنه قرارگیری آنها وجود دارد. یکی از جالب ترین نکاتی که در نگاه نخست در مورد ویژگی اراضی معرفی شده برای واگذاری از مسیر مزایده جلب توجه می کند قیمت پایه این زمین ها است. باتوجه به جدول مشخصات ارائه شده برای اراضی قابل واگذاری در این دو محله، قیمت پایه مزایده میانگین متر مربعی ۵ میلیون تومان ثبت شده است. این نوع قیمت گذاری از این جهت جالب به نظر می رسد که ممکن است در نگاه اول، تصور شود با

شهرداری تهران در جریان مزایده های ملکی خود تعدادی قطعه زمین را در دو محله جنوبی پایتخت معرفی کرده است.

به گزارش «دنیای هوادار»، این قطعات زمین که در دو محله شوش و هرنودی، از جمله قدیمی ترین و فرسوده ترین محدوده های هسته شهر تهران واقع شده اند و هر یک مساحتی بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ مترمربع دارند، این محلات از قدیمی ترین محلات شهر تهران بوده که از شمال به خیابان مولوی مرکزی از جنوب به خیابان شوش، از غرب به خیابان خیام و از شرق به خیابان ری منتهی می شود. کاربری این اراضی نیز

نقد فیلم

نقدی بر فیلم «مطرب»؛ ساخته مصطفی کیایی

«همه چیز» دارد و «هیچ چیز» ندارد!



کارگردان: مصطفی کیایی

باز بگران:

پرویز پرستویی، محسن کیایی، الناز شاکر دوست، مهران احمدی، حسین امیدی، امین مقدم

خلاصه داستان:

یک خواننده کاباره‌ای پیش از اوج گرفتن با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ همچون این طیف خواننده‌ها از صحنه کنارت می‌رود اما چون به اندازه کافی از شهرت و اقبال نیز برخوردار نبوده، نمی‌تواند خواننده‌لس آنجلسی شود و در نهایت به خواننده مراسم تبدیل می‌شود و...

دیگر عوامل:

نویسنده: مصطفی کیایی
آهنگساز: آرمان موسی پور
فیلم برداری: حسین جلیلی
صدا بردار: امیر نوبخت
تدوین: نیما جعفری جوزانی
طراحی و ترکیب صدا: علیرضا علویان
جلوه‌های بصری: فرید ناصر فصیحی
طراح صحنه و لباس: سید مهدی موسوی
طراح گریم: عباس عباسی
عکاس: میلاد کیایی
مدیر تدارکات محمد ابراهیمی

تاریخ اکران:

۱۵ آبان ۱۳۹۸

فروش:

۹/۲۶۲/۳۸۹/۰۰۰ تومان (۹ روز نمایش)

مقدمه به خورد مخاطب داده شود تا هر چه سریع‌تر به ترکیه برسیم، از این رو این چندپارگی را در اوایل فیلم بیشتر می‌کند که اساساً «قصه چیست؟! حال مخاطب خیال می‌کند که حتماً در ترکیه و استانبول خبری است و قرار است فیلم مسیروش را پیدا کند اما ابتدا این طور نیست. بخش‌های ترکیه «مطرب» که تقریباً دو سوم فیلم است، از طرفی بیشتر جنبه «توریستی» دارد بدین معنا که مخاطب چندین بار جاهای دیدنی مختلف استانبول را ببیند بی آن که داستانی پشت این گشت و گذارها باشد و فقط پلان‌ها گرفته شده‌اند تا زمان فیلم را پر کنند.

و در نهایت هم تمام گره‌گشایی‌ها و اوج و فرودهای فیلم به شیوه «فیلمفارسی»‌های قبل از انقلاب اتفاق می‌افتند که آن هم باز «دم دستی» ترین شکل خودشان را برای رسیدن به این نقاط طی می‌کنند. پسری که از مزاحم عشقش کتک می‌خورد و عشقش برای او گریه می‌کند، مردی که آرزوی کنسرت گذاشتن دارد و با آمبولانس خودش را به سالن می‌رساند و کنسرتش را برگزار می‌کند، دختری که آرزوی رفتن به آمریکا دارد اما قاچاقچی تو زرد از آب در می‌آید و... همگی یادآور الگوی فیلم‌هایی هستند که همیشه در حال نگاهش‌شان هستیم اما می‌بینیم که فیلمساز می‌مانند «مصطفی کیایی» که روزگاری به خاطر توانایی‌اش در قصه‌گویی تحسین می‌شد، امروز برای سرهم بندی فیلمش از آن‌ها استفاده می‌کند و لابد خیال هم می‌کند که در فیلمش حرف‌های مهم و لایه‌های دیگری وجود دارد!

اما خوب تا تمام این‌ها شاید کیایی قدرت قصه‌گویی و روایت‌اش را از دست داده باشد اما ظاهراً هنوز توانایی‌اش در گرفتن خنده از مخاطب را حفظ کرده و کمدی را به خوبی سابق می‌شناسد. فیلم مملو از شوخی‌های خنده‌داری است که الکن هم نمی‌مانند و اکثرشان مخاطب را به وجد می‌آورد (مانند شوخی با بستن در و پنجره‌ها و کشیدن پرده‌ها و...) اما خوب وقتی فیلمنامه چنین وضعیتی دارد، اجازه بدهید طنز فیلم را هم بگذاریم کنار همان «همه چیز»ی که در فیلم هیچ چیز نیستند و کلیت اثر را الکن کرده‌اند.

«مطرب» فیلم بدی است و حکم سقوط کیایی در سینمای جدی ایران را امضا خواهد کرد. چیزی شبیه به اتفاقی که برای «منوچهر هادی» و... افتاد که به خاطر «گیشه» خودش را در مسیر شیدایی و فروختن به هر قیمتی انداخته‌اند. باید ببینیم استعدادی مانند کیایی در روایت قصه‌های سرراست، چه روزی دوباره خودش را احیاء خواهد کرد.

و «هیچ چیز» ندارد! پتانسیل «قهرمان» دارد اما ابتدا قهرمان ندارد چرا که «ابراهیم» قصه‌اش از همان دقایق ابتدایی کمیت‌اش لنگ می‌زند. از همان ابتدا گفته می‌شود که «آلبوم» او قرار است به زودی منتشر شود اما در تمام طول فیلم ابراهیم قصه دارد آهنگ‌های این و آن را اجرا می‌کند. به علاوه این که این قهرمان «منفعل» است و وقتی حتی قرار است عمل قهرمانانه‌ای هم انجام دهد و با وجود بیماری، کنسرت برگزار کند، به دم دستی‌ترین شکل ممکن این اتفاق می‌افتد؛ «ابراهیم تاتلیس» به خواب ابراهیم می‌آید و او را از تخت بیمارستان بلند می‌کند و ابراهیم با آمبولانس به سالن اجرای کنسرت می‌رود! وقتی می‌گوییم مطرب همه چیز دارد و هیچ چیز ندارد منظور این است که کیایی قصه‌اش را از ایده‌های داستانی برای از نفس نیفتادن درام لبریز کرده اما تک‌تک شان بدون کوچکترین پرداختی فقط در حد «شاره» باقی می‌مانند و فیلمساز می‌خواسته از همه‌شان استفاده کند، در صورتی که هر کدام‌شان می‌توانست به تنهایی یک خط داستانی درست و استخوان‌دار به فیلم بدهند. ماجرای عشقی پسر ابراهیم و آمریکان رفتن با ماجرای تلاش دختر ابراهیم برای آمریکا رفتن و پیوند دو داستان به دم دستی‌ترین شکل ممکن با یکدیگر، اشاره به آقازاده بودن مسئول سفارت، آن راننده که عاشق زیبا می‌شود، نازان و قصه‌های فرعی‌اش مثل ماجرای «هاکان» و... که معلوم نیست اصلاً وقتی راوی داستان ابراهیم است برای چه دوربین به دفتر هاکان می‌رود و... یکی دیگر از ساده‌ترین نمونه‌های این مساله است. کیایی ابتدا توانسته تمام قصه‌های فرعی‌های مطرب را مانند یک نخ تسبیح به یکدیگر متصل کند و از این رو مخاطب نمی‌تواند با هیچ کدام از کاراکترها همراهی کند و میان این همه داستان چیزی جز «سرگیشه» عایدش نمی‌شود. وقتی فیلمنامه‌ها چنین درد بزرگی رنج می‌برد، اصرار فیلمساز به مطرح کردن مسائل فرهنگی و نقد جامعه‌اش عملاً خنده‌دار می‌نمایند و هیچ کارکردی ندارد. تکه پرانی به تفاوت فرهنگ‌های ایران و ترکیه، شرایط کنسرت گذاشتن در دو کشور، آقازاده‌ها و... هیچ کدام به درد قصه نمی‌خورند و فقط ملات این ملغمه را بیشتر کرده‌اند.

از آن بدتر جایی است که در ابتدای فیلم کاملاً این شتاب زدگی داستانی بیشتر است گویی فیلمساز تمام تلاشش را کرده تا هر چه سریع‌تر بخش‌های ایران را جمع کند و ادامه فیلم را به ترکیه و استانبول ببرد و دیگر از آن جا هم بازنگردد. یعنی عملاً به مدت بیست دقیقه‌ای (شاید بیشتر) در ایران وجود دارد که همه چیز فقط سرهم بندی شده تا به عنوان

محمدحسین سیفی - روزگاری که چندان هم دور نیست، مصطفی کیایی رگ خواب مخاطب سینمای ایران را مانند موم در دست داشت. کیایی فیلم‌هایی می‌ساخت که صدای بخش قابل توجهی از جامعه امروز ایران بود. آن روزها اکثر قریب به اتفاق منتقدین در کنار تمام اشکالاتی که به فیلم‌های کیایی وارد می‌کردند اما هرگز ذکر این نکته را از قلم نمی‌انداختند که «کیایی خوب بلد است قصه بگوید». بله کیایی یک زمانی که خیلی هم دور نیست، در سینمای ایران در کنار رگه‌های طنزی که معمولاً فیلم‌هایش دارند، قصه‌جانداری می‌گفت که مخاطب ایرانی برایش کف و سوت می‌زد و از تماشای آن‌ها روی پرده لذت می‌برد. اگر فیلم اولش یعنی «بعد از ظهر سگی» که بیشتر یک مشق شب بود را کنار بگذاریم، «هند گلوله»، «خط ویژه»، «عصر یخبندان» و حتی «بارکد» فیلم‌هایی بودند که روی مخاطب تاثیر می‌گذاشتند و از تماشای آن در سالن سینما لذت می‌بردند. حتی فیلمی مانند «خط ویژه» دقایق طولانی در جشنواره از مخاطبش ایستاده تشویق می‌گرفت. همان موقع‌ها همه از ظهور فیلمسازی جوان و قصه‌گو در سینمای ایران خبر می‌دادند. اما آن مصطفی کیایی را چه شده است؟

«مطرب» جدیدترین ساخته کارگردانی است که روزگاری «خط ویژه» می‌ساخت و فیلم قبلیش یعنی «چهار راه استانبول» نقطه آغاز مسیری بود که او به سمت «سقوط» طی می‌کند. احتمالاً باید بگوییم که «چهار راه استانبول» مسیر پیشرفت کیایی را به این سمت تغییر داده است. فیلمی که چند ماه پس از حادثه «پلاسکو» کیایی تصمیم به ساختش گرفت و به نوعی می‌خواست سوار موج زمانه‌اش شود و از اتفاق مهم دم دست آن سال فیلم پر فروش بسازد. جاه طلبی‌ای که از همان زمان هم مشخص بود مانند مردابی است که اگر نتوانی از آن عبور کنی قطعاً غرق می‌شوی و کیایی غرق شد! چهار راه استانبول را با هزینه شخصی ساخت و در گیشه شکست سنگینی به او تحمیل کرد و این شکست تقصیر هیچکس جز خودش نبوده؛ چرا که اساساً معلوم بود که قواعد فیلمسازی به این شکل را بلد نیست و نیاز داشت که ابتدا کمی مشق کند تا دستش راه بیفتد. حالا اما «مطرب» از «چهار راه استانبول» هم فیلم بدتری است و کاملاً بوی یک سرمایه‌گذار شکست خورده را می‌توان در ثانیه به ثانیه فیلم استشمام کرد.

فیلم قصه پیرمردی به نام «ابراهیم خوش‌لحن» با بازی پرویز پرستویی است که قبل از انقلاب درست وقتی قرار بود که خواننده مشهوری شود به یک باره انقلاب می‌شود و او را دستگیر می‌کنند و وقتی هم از زندان بیرون می‌آید، نمی‌تواند دوباره خوانندگی را ادامه دهد و روی صحنه برود. اما رویای خوانندگی را تا سال‌ها همراه خودش می‌کشد و در گوش پسر و دخترش هم زمزمه می‌کند تا روزی آن‌ها موفق شوند. تا این که برحسب اتفاق به واسطه دخترش با بازی «الناز شاکر دوست» برای اجرای برنامه هفته فرهنگی در استانبول راهی ترکیه می‌شوند تا آرزوی دیرینه ابراهیم یعنی اجرای کنسرت را عملی کنند اما در آن جا معلوم می‌شود دخترش فکر فرار به آمریکا را در سر داشته و با پرسرش (با بازی محسن کیایی) و نامزدش در ترکیه درگیر فعل و انفعالاتی می‌شوند که باعث می‌شود برنامه‌ها بر هم بخورد و ابراهیم جور دیگری کنسرت بگذارد.

فیلمنامه نوشته شده به دست کیایی، «همه چیز» دارد

«مطرب» فیلم بدی است و حکم سقوط کیایی در سینمای جدی ایران را امضا خواهد کرد. چیزی شبیه به اتفاقی که برای «منوچهر هادی» و... افتاد که به خاطر «گیشه» خودش را در مسیر شیدایی و فروختن به هر قیمتی انداخته‌اند. باید ببینیم استعدادی مانند کیایی در روایت قصه‌های سرراست، چه روزی دوباره خودش را احیاء خواهد کرد





«دنیای هوادار» زوایای گوناگون شکست مقابل «عراق» را بررسی می کند؛

آیا باید به «ویلموتس» و تفکراتش امیدوار بود؟

این هم از برکات «طلوع با شکوه تر»!



ما به ثمر رساندند. در نیمه دوم ویلموتس «محمد نادری» را به جای محمدی به میدان فرستاد تا معمای سمت چپ ما را حل کند اما پایه ریزی گل دومی هم که در لحظات پایانی خوردیم باز هم از این همین سمت بود. این معنای ضعف مهره های ما در سمت چپ نیست بلکه عدم پیش بینی و آنالیز درست از شرایط تیم خودی و البته تیم حریف است.

مقصر اصلی شکست مقابل عراق کیست؟

خیلی ها اصرار دارند تقصیرهای شکست را بر گردن «مسعود شجاعی» و اخراج دقیقه ۸۰ او بیندازند اما مشخصا تمام تقصیرها نباید متوجه او باشد؛ اول اینکه از او سنی گذشته است و قطعاً نمی تواند ۹۰ دقیقه کامل بازی زیر فشار انجام دهد و طبیعتاً باید تا آن موقع تعویض می شد که این اتفاق نیفتاد. دوم اینکه کل بازی تیم ملی تحت تأثیر بازی برتر عراق بود و ملی پوشان در نیمه دوم عملاً از دادن دو پاس سالم به یکدیگر عاجز بودند. که این اتفاق قطعاً متوجه کادرفنی تیم ملی است که از نظر فنی قافیه را به «کاتانچ» و بقیه باختند. در چنین شرایطی بازیکنان درون زمین وقتی نمی توانند کاری انجام دهند تحت فشار قرار می گیرند «عدم تمرکز» اولین خروجی چنین اتفاقی است. از این رو از بازیکنان نباید انتظار معجزه داشت. البته «شجاعی» به عنوان کاپیتان تیم باید آخرین نفری باشد که از نظر روحی خالی می کند اما فراموش نکنیم که ماندن او دقیقه ۶۰-۷۰ به بعد در بازی عملاً هیچ توجیه تاکتیکی نداشت.

از این رو مسئولیت شکست مقابل عراق قطعاً تمام و کمال متوجه «مارک ویلموتس» و کادرفنی اش است. تیم ملی در مقابل عراق، در طراحی حمله «اتانوان» بود و از آن بدتر در دفاع تیمی هم حرفی برای گفتن نداشت. این دومین بازی پیاپی است که چنین اتفاقی برای تیم ملی می افتد. بازی اول «بازی ساز» در زمین نبود و در بازی با عراق بازی ساز حضور داشت اما هیچ برنامه ای برای خروج از زیر فشار حریف وجود نداشت. خیلی کار پیچیده ای هم نیاز نبود فقط کافی بود تا در عقب زمین برتری عددی ایجاد کرده و بازی سازی را آغاز کنند اما خب وقتی تمرین نشده باشد نمی توان انتظاری هم داشت.

ما قطعاً صبر خواهیم کرد اما خب امیدواریم تیم ملی وقتی به خودش نیاید که دیگر خیلی دیر شده باشد.

گره سیاهی به نام «عراق»!

به جرات می توان گفت که به جز دقیقه ۲۰ تا ۴۰ در سایر دقایق دیدار مقابل عراق ملی پوشان زمین گیر و اسیر بازی عراقی ها شده بودند. عراقی ها از ثانیه اول بازی پرس از بالا را در دستور کارشان قرار داده بودند تا هیچ تویی به راحتی از دفاع به خط میانی منتقل نشود. اتفاقی که قدرت بدنی بالایی را برای عراقی ها طلب می کرد و البته خشونت بازی آن ها را هم تا حدی بالا می برد. کما اینکه همین اتفاق هم افتاد و عراقی ها در نیمه اول در دقایقی تا پای از دست دادن تمرکز و دادن اخراجی (حتی اخراج علی عدنان) هم پیش رفتند ولی «کاتانچ» سرمربی به خوبی در کنار زمین حاضر می شد و تیمش را به آرامش دعوت می کرد (حتی در صحنه ای برای سی ثانیه تمام توپ را در دستش قایم کرده بود و به بازیکنانش نمی داد تا زمانی که آرام شوند). این شیوه مدیریت تیم توسط کاتانچ در کنار آمادگی بدنی عراقی ها به کمکشان آمد تا ۹۰ دقیقه بی وقفه ایران را تحت فشار قرار دهند و با کارت قرمز داور هم مواجه نشوند.

اما در طرف مقابل، شاگردان ویلموتس در تیم ملی ایران با وجود اینکه از دقیقه ۱ «مسعود شجاعی» را به عنوان بازی ساز در ترکیب می دیدند اما عملاً هیچ برنامه ای برای خروج از پرس عراقی ها نداشتند و بزرگترین ضعف تیم ملی در دیدار پنجشنبه همین مساله بود. یک بار دیده نشد که «تورالهی» یا «ابراهیمی» به عنوان هافبک های دفاعی کنار دو دفاع مرکزی قرار بگیرند و دفاع های کناری با خیال راحت به بازی عرض بدهند. صحنه تکراری دیدار با عراق احتمالاً پاس عرضی «کنعانی زادگان» به «پورعلی گنجی» و سپس سانت بلند پورعلی گنجی زیر فشار از زمین خودمان روی سر «سردار آزمون» یا «مهدی طارمی» بود تا یکی شان ضربه اول را بزند و دیگری را صاحب موقعیت کند. اتفاقی که ابتدا رخ نداد؛ چرا که عراقی ها به خوبی روی این مساله کار کرده بودند و توانستند بازیکنان ایران را روی هوا مدیریت کنند.

این عدم حمایت هافبک های دفاعی از خط دفاعی بیشتر از هر چیز به سمت چپ خط دفاع ما لطمه وارد کرد؛ جایی که بارها و بارها پشت «هیلا محمدی» در رفت و برگشت ها خالی می ماند و عراق چندین بار فشار آورد و گل اولشان را هم روی ارسال از این جناح

«پرس از بالا» که بعضاً به شیوه «گگینگ پرسینگ» هم در می آمد، برطرف ساخت و ما شاهد بازی های هجومی از تیم ملی مقابل تیم های بزرگی حتی مثل کره جنوبی بودیم و از پس چشم بادامی های شرق آسیا دیگر نه با فوتبال تدافعی که با بازی های تهاجمی بر می آمدیم.

اما وقتی که «کی روش» از تیم ملی جدا شد، از همان زمان هم این سوال برای همه ایرانیان وجود داشت که بعد از این «قرار است چه بشود؟» این خیال خام و رایج وجود داشت که ما دفاع کردن را یاد گرفته ایم و الان نیاز به کسی داریم تا «فوتبال تهاجمی» را به کشور ما بیاورد و به ایران آموزش دهد. سخن گزاره ای نبود و گزینه هایی که مطرح می شد مانند «هروه رنار» و... هم می توانست ما را به مسیری که فدراسیون انتخاب کرده امیدوار سازد اما در نهایت آن طلوعی که آقایان وزارتی حرفش را می زدند را به دست «مارک ویلموتس» سپردند. انتخابی که از همان ابتدا هم کمی عجیب به نظر می رسید اما آقایان اصرار داشتند که بهترین انتخاب را اجرایی کرده اند.

آیا باید به «ویلموتس» و تفکراتش امیدوار بود؟

ویلموتس با شعار «فوتبال هجومی» از روز اول به فوتبال ایران آمد و هر روز این جمله را تکرار می کرد. او می گفت «حتی در روزی که شکست می خوریم هم باید گلی زده باشیم» جمله عجیبی که معلوم بود همواره نمی تواند بدان دست یابد و فقط آن را برای تبلیغ فوتبال هجومی مدنظرش گفته بود. در نهایت دیدارهای او یکی پس از دیگری از راه رسیدند و در اولین محک تیم ویلموتس در سؤال یک تساوی ۱-۱ مقابل «کره جنوبی» کسب کرد که آن دیدار دو تیم از نظر تعداد شوت ها آمار برابری ثبت کردند و تماشاگران بازی زیبایی را دیدند. اما خب احتمالاً دیداری که ویلموتس را میان تماشاگران ایرانی محبوب ساخت، دیدار با «کامبوج» در ورزشگاه آزادی بود که تیم ملی موفق شد سیزده بار دروازه کامبوج نگویند بخت را باز کند.

اما خب در همان دیدار هم واضح بود که کامبوج معیار قابل اتکالی برای سنجش «فوتبال هجومی» ویلموتس نیست؛ چرا که اساساً دفاع ما آن چنان تحت فشار ضد حمله های کامبوج قرار نمی گرفت و کامبوج تیم دست و پا بسته ای نشان داد. اما خب اتفاقی که از همان دیدار هم بسیار جلب توجه می کرد، عدم اعتقاد ویلموتس به یک «بازی ساز» در میانه میدان بود و جلوی تیم را با «مهاجم» صرف پر کرده بود. درست که در آن دیدار آسان نتیجه لازم را گرفت اما مشخصاً مقابل «بحرین» با استفاده از همین شیوه به مشکل خورد و میانه زمین را عملاً در منامه به تیم حرف واکتار کرده بود و پرس بحرینی ها باعث شد که ملی پوشان نتوانند توپ را در میانه میدان به گردش در بیاورند. به نظر می رسید که شکست مقابل بحرین درس خوبی به ویلموتس داده بود تا همه چیز را در پر کردن زمین با «مهاجم» نبیند و بازیکنان بازی ساز را هم در ترکیب تیم پیش بینی کند که این اتفاق هم افتاد. پس مشکل بازی ما مقابل عراق چه بود؟



محمد حسین سیفی

«دری غرب آسیا» اصطلاح نو و تازه ای است که روی دیدارهای ایران و عراق گذاشته اند. ما روز پنجشنبه یک دربی بر سر صدرنشینی در دور اول مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ مقابل این رقیب سنتی که چند سالی است گربه سیاهمان هم شده در کشور عمان برگزار کردیم. «عراق» باز هم نقش همان گربه سیاه فوتبالی که گفته بودیم را برای تیم ملی ایران ایفا کرد و ما را با گل دقایق پایانی شکست داد. آن ها حدود یک دهه است که به ما نباخته اند! نه تنها نمی بازند، بلکه ما را به دردرس هم می اندازند و معادلات حیات و ممات فوتبالی کشورمان را در یک تورنمنت به هم می زنند! عراقی ها اگر در کشور داری و اداره هم اموری مشکل داشته باشند، اما «فوتبال» بازی کردن را در هر شرایطی بسیار خوب بلدند. اگر ما چهل و اندی سال است که بر فراز جام ملت های آسیا نایستاده ایم، عراقی ها همین ده دوازده سال پیش بود که با کاپیتانی «یونس محمود» توانستند جام ملت های آسیا را بالای سر ببرند آن هم درست وقتی که درگیر جنگ با آمریکا بودند و کشورشان با خاک یکسان شده بود!

تیم ملی عصر پنجشنبه شکست خورد و مقابل تعداد شکست هایش در جدول عدد «دو» حک شده درست به اندازه هنگ کنگ! و این دو شکست ما را تارتبه سوم جدول پنج تیمه مقدماتی جام جهانی پایین کشاند تا آرام آرام مجبور باشیم باور کنیم که احتمال دارد جام جهانی بعدی را از خانه ببینیم! آن هم نه حذف به دست کره جنوبی و ژاپن... نه! بلکه به دست عراق و بحرینی که قاعدتاً با توجه به شرایط بازیکنان ورنکنینگ های فیفا نباید مقابل شان به دردرس می خوردیم. اما حالا خورده ایم و در این مطلب سعی داریم از نظر فنی و تاکتیکی بررسی کنیم که علت چیست؟

دوران «پسا کی روش» تا به امروز چگونه سپری شده است؟

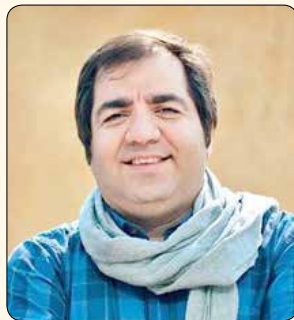
در هشت سال حضور «کارلوس کی روش» روی نیمکت تیم ملی ایران، ما تمام کوردهای گل نخوردن و شکست ناپذیری... و رادر آسیا در هم شکستیم. در مسیر جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه، بیش از ۴۰۰ دقیقه حتی یک شوت هم به سمت دروازه ما شلیک نشد و مشخصاً از نظر «دفاعی» قدرت اول آسیا بودیم. اتفاقی که خب ثمره سال ها زحمت کادرفنی روی تاکتیک های دفاعی تیم بود و بچه های تیم ملی «دفاع تیمی» را به خوبی در زمان کی روش آموزش دیده بودند. اما خب ضعفی که در زمان کی روش احساس می شد، نبود یک «برنامه دوم» مقابل تیم هایی که نیاز نیست جلویشان دفاع کنیم بود که البته کی روش این ضعف را هم در سال های آخر حضورش با پیاده سازی

حرف آخر

به «عراق» هم باختیم، وقت «نگرانی» فرار سیده؛

آیا «شرافت» مردم نزد صدا و سیما از درجه اعتبار ساقط شده؟ مسئله این است!

چون پرده برداشتند نه تومانی و نه من!



● شما که اشکتان لب مشکتان بود، از تمسخر و توهینی که هوداران بحرین و عراق، هنگام پخش سرود ملی کشورمان به ما وارد داشتند، چه احساسی داشتید؟
● تحقیر بالاتر از یک نیمه بدون شوت در چهارچوب و بدون حتی دو پاس سالم و کلیدی؛ آن هم مقابل «عراق»؟ خاطرتان مکرر نشد؟ بغض گلوبتان را نقشرد؟
● راستی! از اسپانسر و پیراهن های تیم ملی چه خبر؟ اوضاع و احوال خوب است؟
● از مسئولان بالادستان در صدا و سیما پرسید که «شرافت» مردم را از درجه اعتبار ساقط دانسته اند؟

آقای «پژمان راهبر»:

● شخص شما و هماتایانان همواره از «جنگ های حیدری و نعمتی» که کی روش و دار و دسته اش راه انداختند گفتید و با وقاحت تمام تنها میراث وی را در هشت سال تنها این «دو قطبی ها» و «تفرقه افکنی» ها دانستید؛ ما که هیچ! به نظر خودت وقت آن نرسیده که بیش از پیش به آن بیت معروف «خیام» اندیشه ای کنی: «چون پرده برداشتند، نه تو مانی و نه من!»

نامبردگان عزیز! احیانا متوجه هستید چه بلایی بر سر تیم ملی آمده؟ تیمی که در آستانه صعود از گروه مرگ در جام جهانی ۲۰۱۸ قرار داشت حالا در آستانه حذف زود هنگام از مرحله مقدماتی جام جهانی است!

به هر جهت، پس از شکست بد مقابل «بحرین» اکنون به «عراق» هم باختیم تا در همین ابتدای کار بیش از هر زمان دیگری خطر از دست دادن فرصت حضور در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر را احساس کنیم. شاید این زنگ خطر به موقع باشد و بد نباشد تا به خودمان بیاییم. ما هم مثل آقای ویلموتس آرزو می کنیم که ۱۲ امتیاز از ۴ بازی آینده کسب کنیم و سایر تیم ها هم نتیجه مطلوب ما را بگیرند تا ما به خوبی و خوشی به دور بعد صعود کنیم!

هم عالی؛ شما شخص اول ورزش این مملکت هستید و تصمیم گیرنده اصلی (۱) اما به فکر جانشینش هم بودید؟
● چه قدم مثبت و قابل تاملی برای فوتبال و اساسا ورزش این کشور برداشته اید؟
● گفتیم و نوشتیم که «ویترین» (روابط عمومی تان) گرد و غبار بسیاری دارد و بوی نامطبوعی از آن می آید؛ پیش از آن که بوی تعفن اش همه جا را بردارد، دستی به آن بکشید؛ چه کردید؟

آقای «ماز یار ناظمی»:

● چه شد آن «طلوع با شکوه تری» که می گفتید؟
● کجایند آن مربیان بزرگی که در صف مذاکره با ایران قرار داشتند؟ زیدان و مورینیو را ناگهان «ویلموتس» ترجمه کردید؟
● اصلا شخص شما که تا همین چند سال پیش در همان «اخبار گفتنش هم مانده بود» با چه سواد، تخصص، پیشینه و تجربه ای به این نفوذ در ورزش به ویژه فوتبال رسیدید که برای سرمربی تیم ملی و انتخاب آن تعیین و تکلیف می کنید؟ به قول «علی دایی» مگر شما چه کاره این فوتبال هستید؟

آقای «مهدی تاج»:

● چه خبر از آقای ویلموتس؟ همان سرمربی «فدراسیون محور»ی که از آن به عنوان دلیلی برای برتری وی نسبت به همکار قبلی تان نام بردید؟
● ضعف های تاکتیکی به کنار؛ به هیچ وجه قابل بخشش نیست که چرا تا این حد در پرداخت دستمزد سرمربی تیم ملی تعجیل کردید تا او این گونه همین اول کار قهر کند و برود ترکیه و بست بنشیند و لیست تیم ملی را هم اعلام نکند تا تنها دو روز پیش از بازی حساس مقابل عراق به اردوی تیم ملی اضافه شود؟! به هر حال نمی شود انتظار داشت که همه مانند کی روش گاهها از جیبشان هم برای تیمشان خرج کنند!

آقای «جواد خیابانی»:

● دیگر نگران «شرف مردم» نیستید؟

گرسنه ایران»، «مردم فقیر» و یا «مردم نان ندارند بخورند» را مطرح نکرده بود و یک اشتباه ساده لوحانه (شاید هم غرض ورزانه!) از عبارت «My People» (به معنای همکاران و یا افراد من) در ترجمه باعث شد تا آقایان از دیوار آن بالا روند و حساسی جار و جنجال راه بیندازند! و اما در ادامه، جریان اصلی رسانه های ورزشی هم حساسی آتش بیار معرکه شدند (ارجاع به ماجرای ساختگی مهرداد مسعودی و همکاران داخلی شان در خصوص شادی دستیار کی روش از شکست پرسپولیس در فینال لیگ قهرمانان آسیا).

همان برهه هم بارها نوشتیم که «آقایان این ره که می روید به ترکستان است» ولی گوش هیچ کس بدهکار نبود. ما هم کشته مرده شخص کی روش نبوده و نیستیم و حالا دیگر آن بنده خدا به جایی رفته که هم دستمزد بالاتری می گیرد و هم فوتبال به مراتب حرفه ای تر و قوی تری دارد! (ارجاع به کسانی که می گفتند او جایی را ندارد برود و فقط ایران او را نگه داشته!) ما در درجه اول و مهم تر از هر اسم و رسمی فقط و فقط سنگ تیم ملی عزیزمان را به سینه می زنیم، ولی چه کنیم که نمی توانیم از حقیقت فرار کنیم؟ آقایانی که «مارک ویلموتس» را نیامده احاطه کردید و کلیدواژه سخیفی چون «فوتبال تهاجمی» را در دهانش گذاشتید تا در هر کنفرانس مطبوعاتی ای که حاضر شود ورد زبانش باشد، بتازید و خوشحال باشید؛ چرا که دور دور شماست و چیزی که «کوتاه» است حافظه تاریخی «ما». همین حالا هم خیلی ها با تیتراهای «خوش خیالی کافی است آقای مارک ویلموتس!» تان ذوق مرگ شده اند که چه قدر بی طرف و عادلانه به ماجرانگه می کنید! ما هم که گوشمان دراز است لابد...

سکانس آخر

شب/ داخلی / شبکه سه
۲۳ آبان ۱۳۹۸ ساعت ۲۰:۰۰

به ردیف می پرسم؛

آقای «مسعود سلطانی فر»:

● از همه جان نقل است که شخص شما مخالف حضور «کارلوس کی روش» روی نیمکت تیم ملی بودید؛ بسیار



مهدی تیموری

سکانس اول

شب/ داخلی / برنامه «فوتبال آسیایی»
۲۷ دی ۱۳۹۷ ساعت ۲۲:۲۵

مردان سیاهپوشی مدام در استودیو از این سو به آن سو می روند و «کاسه چه کنم چه کنم» حقیرانه ای دست و رویشان را فرا گرفته! اوضاع کمی «غریب» به نظر می رسد؛ تیم ملی به لحاظ نتیجه گیری و هم ارائه نمایش تماشاگرپسند عملکرد موفقی را تا به اینجای کار به ثبت رسانده؛ ولی نه! نباید به همین راحتی ها تمام شود. عده ای که چهره شان به سختی در کادر دیده می شود بر گه هایی که به دیالوگ های مجری مربوط می شود را به او می دهند و سریعاً از قاب خارج می شوند؛ یک... دو... سه... رفتیم روی آنتن: «واقعاً چقدر اهانت به این مردم؟ چقدر بی توجهی به این مردم؟ آقای کی روش که شما می گوید که این مردم نان ندارند که بخورند و سر سفره شان نان نیست؛ چرا این قدر به آن ها بی احترامی می کنید؟ چرا این قدر به آن ها اهانت می کنید؟ واقعاً بس نیست؟ لطفاً بس کنید! این اتفاقات را! شما مربی تیم ملی فوتبال ما هستی، شما رئیس ما نیستی؛ شما همه کاره این کشور نیستید به خدا... شما کارمند این مردمید؛ این مردم مالیات می دهند، حقوق کم می گیرند، بله درسته! شاید به سختی زندگی می کنند؛ اما «باشرف» زندگی می کنند!»

این سخنان جانسوز و جانکاه، همراه با «شک تمساح» آقا «جواد خیابانی» روی آنتن، یک فیلم هندی تمام عیار (آن هم از نوع درجه پنجمش!) خلق کرد و باعث شد تا اذهان عمومی در آن برهه حساس بیش از پیش علیه سرمربی تیم ملی شود! آن هم در شرایطی که سرمربی سابق تیم ملی ایدا خزعلاتی نظیر «مردم